

پـــژوهــش هـــای

ایـــــران شنـــــاســی

پــرســـش و پـــاســـــخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری از وبگاه ایران شنـــاسی

« ادیبان ایرانی و ادبیات عرب ۲ »

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

*****

ادیبان ایرانی و ادبیات عرب!

(۱)

پرسش:

با سلام و ارادت و احترام تمام و بقول عربها «مع التحیه والسلامه!» در «مقالات ایران شناسی» چند بار به تاکید فرموده اید که ایرانیان ادیب یا ادیبان ایرانی سرآمد ادبای عرب و مولّف ادبیات آن قوم بوده اند و از« سیبویه» ادیب ایرانی یادکرده اید که «الکتاب» را نوشته و از ادبای دو زبانه ایرانی یادکرده اید که فصاحت پارسی و تازی شان حیرت عرب ها را در آورده . مستدعی است به نمونه ای از نبوغ ادبی ایرانی اشارتی بفرمایید.و پیشاپیش اجازه می خواهم نوشتارارجمند، استادانه و ادیبانه شمارا در«پایان نامه دکتری ادبیات عرب» مورد استفاده و استناد قرار دهم.با ادب و ارادت و احترام افزون.

پاسخ :

یکی از نوابغ ایرانی ادبیات عرب،«بادهرزی» از روستای«بادهرزِ هرات» سده ی پنجم مهشیدی است.او«علی پسرحسین پسرعلی پسر بوطیّب بادهرزی» است که تازیان به او«الباخرزی» گویند! این نخبه و نابغه ی ایرانی ادبیات تازی ، مولف کتاب گران قدرادبی تاریخی «دُمیه القَصر و عُصره اهل العصر»است! به نمونه ای از نثر گران سنگ این ادیب بی مانند توجه کنید! وی در شرح حال «علی پسر محمد جزری» ادیب شیعی اهل «جزیره العرب» می نویسد:

« وقع من بعض الجزائر الی باخرز ، فارتبط فیها للتادیب ، و بقی بین کبرائها موفور النصیب ، و بلغ من الغلو فی التشیع مبلغا حقره حتی ادّرع اللیل ، و شمّر الذیل ، و شدّ الاقتاد ، و طوی البلاد ، و اقام فی مجاوره قبرمعاویه بالشام سنه جرداء ، یطوف ببنیانه ، و یتبرک باستلام ارکانه ، و وراء تملقه ذلک دفین امر ، و خلل رماده ومیض جمر، و لم یزل ینتهزالفرصه ، حتی خلا وجهه یوما من

الایام ، و انفض عنه بعض من اولئک الاقوام ، فنفض علی القبر عیابه ، و اسال فوقه مرزابه ، والقی به جنینه ، و خلط بذی بطنه طینه ، و خرج منها خائفا یترقب ، قال : رب نجنی من القوم الظالمین...».

برگردان پارسی این متن متینِ تازی را به شما دانشجوی «دکترای ادبیات» و «استاد راهنما»ی شما واگذارمی کنم.اگر ترجمه کردید شایسته ی نامزدی«دکتری ادبیات عرب» هستید!

***

ادیان ایرانی و ادبیات عرب!

(۲)

پرسش:

با درودی پر ودود و ارادتی صد چندان.هرچه کوشیدم ترجمه ای که کردم به دلم نچسبید و نظر دیگران هم مرا قانع نساخت .احساس می کنم که معنای شگفتی در این کلام بغایت ادیبانه نهفته است.استدعا دارم این متن متین را خود حضرت عالی ترجمه بفرمایید که سخت کنجکاو دریافت معنای آنم به ویژه وقتی از قلم قوی شما باشد!

پاسخ:

معنای ساده و صریح این متن این است که: علی پسرمحمد جزری شیعی مذهب به شام رفت و در کنار گور معاویه سالی جای گزید و تظاهر به هواداری کرد ولی نیتی دیگر داشت و منتظر فرصت بود

،سرانجام این فرصت را به دست آورد و گور معاویه را با بول و برازش اندود و گریخت! اما ترجمه ی کامل این متن چنین است:

«علی پسرمحمد جزری از یکی ازجزایر به «بادهرز» خرامید و پای بند علم و ادب شد و از بزرگان ادب بهره ها برد ، ودر شیعیگری گزافه ها گفت چنان که از تشیع کاست ، و سرانجام در تاریکی شب فروشد ، پاچه ورمالید و بار و بنه ببست و شهرها را درنوردید و یک سال تمام در شام در کنار« گورمعاویه»جای گزید و بر گردِ آن گورخانه می چرخید و در و دیوارهایش را تبرکانه دست می کشید، لیک در پناه این چاپلوسی اش رازی نهفته بود و در زیر خاکسترش آتشی زبانه می کشید، هماره در پی فرصت بود، تا که روزی از روزها خودش را تنها دید و گورخانه را از هواداران تهی یافت ، اینجا بود که زشتی هایش را بر گور ریخت : ناودانش را بر گور افکند و آنچه در شکم داشت فروریخت و آن را با خاک گوردرآمیخت و بیمناکانه ازآنجا درآمد و گفت : پروردگارا ! مرا از گزند این مردم ستمکار برهان !».

***



اَلـدِّراســاتُ الایـــرانیِّـــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفیّةِ ایرانَ اَلتّاریخیّة والثّقافیّة والْحضاریّة

للباحثِ الـکاتب و المترجم الایرانی

الدکتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***